

## - « بصیرت‌های مستبذ از اسلام » -

می‌دانیم که روح هرگونه برنامه‌ریزی، از جمله برنامه‌ریزی برای تحقق اقتصاد مقاومتی، دورنگری و عاقبت‌اندیشی است. این آموزه در نصوص اسلامی جایگاه رفیعی دارد و پیش‌نیاز هر گونه موفقیت<sup>۱</sup>، از جمله موفقیت در رقابت اقتصادی، (نهج‌البلاغه: حکمت ۴۸) و ایمنی بخش از ناملایمات<sup>۲</sup>، از جمله عوامل ناپایداری اقتصادی، (آمدی، ۱۴۲۸هـ.ق، ص ۳۵۷) انگاشته شده‌است. امام علی علیه السلام می‌فرماید هر کس بدون عاقبت‌اندیشی دست به کاری زند، خود را گرفتار سختیها و مصائب کند<sup>۳</sup> (ابن شعبه الحرائی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ص ۹۰) و نیز فرمودند: دور اندیشی یک هنر است، ثمره دور اندیشی سالم ماندن [از آسیبها] است، کسی که دور اندیشی او را پیش نبرد، ناتوانی او را عقب اندازد<sup>۴</sup>. (آمدی، ۱۴۲۸هـ.ق، ص ۱۱۷) شاید گزاره نباشد اگر ادعا کنیم که اسلام هوشمندی راهبردی را از فراهم بودن اسباب و وسایل فیزیکی مهمتر می‌داند<sup>۵</sup>. (محمدی ری‌شهری، ج سوم، ۱۳۸۵، ص ۲۶۴)

شناسه	شرح
۱۰	<p>در قدم بعد مشورت به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای دورنگری مطرح شده‌است. زیرا کسی که از نظرگاه‌های مختلف آگاه نباشد، چاره‌اندیشی نتواند کرد<sup>۶</sup> (آمدی، ۱۴۲۸هـ.ق، ص ۲۴۶) و هر که با نظرگاه‌های مختلف روبه‌رو شود، موقعیت‌های خطا را بازشناسد<sup>۷</sup>. (نهج‌البلاغه: حکمت ۱۷۳) رسول اکرم (ص) فرمودند: دور اندیشی آن است که با صاحب نظر مشورت کنی و به نظر او عمل نمایی<sup>۸</sup> (مجلسی، ج ۷۲، ۱۴۰۳ هـ.ق، ص ۱۰۵) و امیرالمومنین (ع) می‌فرمایند: دوراندیشی، توجه داشتن به فرجام کارها و مشورت کردن با خردمندان است<sup>۹</sup>. (محمدی ری‌شهری، ج سوم، ۱۳۸۵، ص ۵۵) خداوند متعال رواج داشتن مشورت را یکی از معیارهای جامعه‌ی متکامل بر شمرده‌است<sup>۱۰</sup> (شوری: ۳۸) و در قرآن کریم به پیامبر اکرم (ص) دستور می‌دهد که: در امور با آنها مشورت کن<sup>۱۱</sup> (آل عمران: ۱۵۹). پیرامون دامنه‌ی شمول مفهوم «الامر» در کتب تفسیری بحث‌های مفصلی انجام شده‌است<sup>۱۲</sup>.</p>

الطَّفَرُ بِالْحَزْمِ

<sup>۱</sup> مَنْ نَظَرَ فِي الْعَوَاقِبِ سَلِمَ مِنَ النَّوَائِبِ، مَنْ فَكَّرَ فِي الْعَوَاقِبِ أَمِنَ الْمَعَاطِبِ.

<sup>۲</sup> مَنْ تَوَرَّطَ فِي الْأُمُورِ بَغَيْرِ نَظَرٍ فِي الْعَوَاقِبِ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلنَّوَائِبِ..

<sup>۳</sup> الْحَزْمُ صِنَاعَةٌ، ثَمَرَةُ الْحَزْمِ السَّلَامَةُ، مَنْ لَمْ يُقَدِّمَهُ الْحَزْمُ أَخَّرَهُ الْعَجْزُ.

<sup>۴</sup> التَّلَطُّفُ فِي الْحِيلَةِ اجْدَى مِنَ الْوَسِيلَةِ.

<sup>۵</sup> مَنْ جَهَلَ وُجُوهَ الْأَرَءِ أَعْيَبَهُ الْحَيْلُ.

<sup>۶</sup> مَنْ اسْتَقْبَلَ وُجُوهَ الْأَرَءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَا.

<sup>۷</sup> الْحَزْمُ أَنْ تَسْتَشِيرَ ذَا الرَّأْيِ وَ تُطِيعَ أَمْرَهُ.

<sup>۸</sup> الْحَزْمُ النَّظَرُ فِي الْعَوَاقِبِ وَ مُشَاوَرَةُ ذَوِي الْعُقُولِ.

<sup>۹</sup> وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ.

<sup>۱۰</sup> وَ شَاوَرَهُمْ فِي الْأَمْرِ.

<sup>۱۲</sup> کلمه «الامر» در «شاورهم فی الامر» مفهوم وسیعی دارد و همه کارها را شامل می‌شود ولی مسلم است که پیامبر صلی الله علیه و آله هرگز در احکام الهی با مردم مشورت نمی‌کرد بلکه در آنها صرفاً تابع وحی بود. بنابراین مورد مشورت، تنها طرز اجرای دستورات و نحوه پیاده کردن احکام الهی بود و بعبارت دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله در قانونگزاری، هیچ وقت مشورت نمی‌کرد و تنها در طرز اجرای قانون نظر مسلمانان را می‌خواست و لذا گاهی که پیامبر صلی الله علیه و آله پیشنهادی را

## - « بصیرت‌های مستنبط از اسلام » -

ج ۱	با آنکه استشاره احتمالِ صحتِ تصمیمات، که محصول هم‌اندیشیست، را بالا می‌برد <sup>۱</sup> (آمدی، ۱۴۲۸هـ.ق، ص ۳۱۳) (همان، ص ۳۱۱) فرآیندِ هم‌اندیشی و نفسِ اتخاذِ رویکردِ هم‌اندیشانه نیز می‌تواند مولدِ ارزشِ اجتماعی باشد. در فصل سوم از رساله پیرامون اهمیتِ موجه‌سازی از دید فلاسفه‌ی رئالیست مطالبی بیان شد؛ فایده‌ی هم‌اندیشیدن این است که تصمیمات را موجه می‌کند و راه ملامت را می‌بندد <sup>۲</sup> . (همان، ص ۴۸۰)
--------	---

در اسلام علاوه بر توصیه به دوراندیشی و هم‌اندیشی، دستوراتی نیز در جهت کارتر و اثر بخش‌تر نمودن آن‌ها وجود دارد؛

جدول ۳: بخش دوم از بصائر اسلامی مفید برای مُدل (تألیف از نگارنده)

شناسه	شرح
ج ۱	وجود سازوکاری برای حفظ و بهره‌برداری از تجارب گذشته، مددکارِ دوراندیشی خواهد بود <sup>۳</sup> . (همان، ص ۱۱۷)
ج ۲	بنابر نقل، معصومین علیهم‌السلام، نسبت به خوش‌بینانه بررسی کردن عواقب امور تحذیر داده‌اند و حزم را هم‌ارز توجه به سناریوهای بدبینانه <sup>۴</sup> (سیوطی، ج ۳، ۱۴۱۴ ه.ق، ص ۳۶۰)، نقاط شکست احتمالی <sup>۵</sup> (محمدی ری‌شهری، ج ۴، ۱۳۸۵، ص ۳۴۵) و چاره‌جویی برای پیامدهای ناخواسته‌ی آن اقدام <sup>۶</sup> (آمدی، ۱۴۲۸ه.ق، ص ۴۰۲) دانسته‌اند.

طرح می‌کرد مسلمانان نخست سؤ ال می‌کردند که آیا این حکم الهی است؟ و یک قانون است که قابل اظهار نظر نباشد و یا مربوط به چگونگی تطبیق قوانین می‌باشد اگر از قبیل دوم بود اظهار نظر می‌کردند و اگر از قبیل اول بود تسلیم می‌شدند. چنانکه در جنگ بدر لشکر اسلام طبق فرمان پیغمبر صلی الله علیه و آله می‌خواستند در نقطه ای اردو بزنند یکی از یاران بنام «حباب بن منذر» عرض کرد: ای رسول خدا این محلی را که برای لشکرگاه انتخاب کرده اید طبق فرمان خدا است که تغییر آن جایز نباشد و یا صلاحدید خود شما می‌باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: فرمان خاصی در آن نیست، عرض کرد: اینجا به این دلیل و آن دلیل جای مناسبی برای اردوگاه نیست دستور دهید لشکر از این محل حرکت کند و در نزدیکی آب برای خود محلی انتخاب نماید پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نظر او را پسندید و مطابق رأی او عمل کرد. (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، صص ۱۶۶-۱۶۸)

ما استنبط الصواب بمثل المشاوره / الشِّرْكَهَ فِي الرَّأْيِ تُوَدِّي إِلَى الصَّوَابِ.

<sup>۲</sup> مفسرین در شأن نزول آیه‌ی پیش‌گفته که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) را به مشورت فرمان می‌دهد، آورده‌اند: این دستور بخاطر آن است که پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از آغاز جنگ «احد» در چگونگی مواجهه با دشمن با یاران خود مشورت کرد و نظر اکثریت بر این شد که اردوگاه، دامنه احد باشد و دیدیم که این نظر، محصول رضایت‌بخشی نداشت. در اینجا این فکر به نظر بسیاری می‌رسید که در آینده پیامبر صلی الله علیه و آله نباید با کسی مشورت کند. قرآن به این طرز تفکر پاسخ می‌گوید و دستور می‌دهد که باز هم با آنها مشورت کن هر چند نتیجه مشورت در پاره‌ای از موارد، سودمند نباشد زیرا از نظر کلی که بررسی کنیم منافع آن روی هم رفته بمراتب بیش از زیان‌های آن است و اثری که در آن برای پرورش فرد و اجتماع و بالا بردن شخصیت آنها وجود دارد از همه اینها بالاتر است... به علاوه کسی که در انجام کارهای خود با دیگران مشورت می‌کند، اگر مواجه با پیروزی شود کمتر مورد حسد واقع می‌گردد، زیرا دیگران پیروزی وی را از خودشان می‌دانند و معمولاً انسان نسبت به کاری که خودش انجام داده حسد نمی‌ورزد و اگر احیاناً مواجه با شکست گردد زبان اعتراض و ملامت و شماتت مردم بر او بسته است و دیگران نه تنها اعتراض نخواهند کرد بلکه دلسوزی و غمخواری نیز می‌کنند... از دیگر فواید مشورت این است که مشورت‌گیرنده در انتها می‌تواند ادراکاتی از شخصیت مشورت دهنده داشته باشد و در سایر موارد از آن بهره گیرد. (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، صص ۱۶۶-۱۶۹)

<sup>۳</sup> رَوِّ قِبَلَ الْفِعْلِ كَيْ لَا تُعَابَ بِمَا تَفْعَلُ.

<sup>۴</sup> الْحَزْمُ حِفْظُ التَّجْرِبَةِ.

<sup>۵</sup> عَنِ النَّبِيِّ (ص): الْحَزْمُ سُوءُ الظَّنِّ.

<sup>۶</sup> عَنِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع): إِنَّهُمَا عَقُولُكُمْ؛ فَإِنَّهُ مِنَ التَّقَفِّ بِهَا يَكُونُ الْخَطَاءُ.

- « بصیرت‌های مستبذ از اسلام » -

<p align="center">ج ۱۰</p>	<p>امام عسکری(ع) فرمودند: دوراندیشی اندازه‌ای دارد که اگر از آن فراتر رود، ترس است.<sup>۲</sup> (محمدی ری‌شهری، ج ۱۳، ۱۳۸۵، ص ۳۱۶) حضرت امیر، آفت دوراندیشی را از دست رفتن فرصت (امر) می‌داند<sup>۳</sup> (محمدی ری‌شهری، ج اول، ۱۳۸۵، ص ۱۸۲). زیرا اطالهی فرآیند دوراندیشی ممکن است به از دست رفتن اصل فرصت منجر شود. و واژگونی امور را در پی داشته باشد.<sup>۴</sup> (محمدی ری‌شهری، ج پنجم، ۱۳۸۵، ص ۴۳۷)</p>
<p align="center">ج ۱۱</p>	<p>توصیه شده‌است که بستر هم‌اندیشی آنچنان تعاملی و بازخوردی باشد که گویی مشکبست که سقایی دارد آن را به-هم می‌زند.<sup>۵</sup> (محمدی ری‌شهری، ج چهارم، ۱۳۸۵، ص ۳۴۴)</p>
<p align="center">ج ۱۲</p>	<p>از دیگر خصوصیات یک بستر خوب برای هم‌اندیشی آن است که تسهیل‌گر ادغام و جمع‌بندی نظرات خبرگان باشد.<sup>۶</sup> (حر عاملی، ج ۱۲، ۱۴۱۴ هـ، ص ۴۶)</p>

<sup>۱</sup> إذا هممت بامر فاجتنب ذمیم العواقب فیه.

<sup>۲</sup> إن... للخرم مقداراً، فإن زاد علیه فهو جن.

<sup>۳</sup> آفة الخرم قوت الأمر.

<sup>۴</sup> من تأخر تدبیره تقدم تدبیره.

<sup>۵</sup> أمخضوا الرأي مخض السقاء ينتج سدید الاراء/اضربوا بعض الرأي ببعض يتولد منه الصواب.

<sup>۶</sup> أضمم آراء الرجال بعضها الى بعض ثم اختر أقربها للصواب وأبعدها من الإرتباب.

## - «بصیرت‌های مستبذ از اسلام»-

بدیهیست که دنیای امروز آمیخته با پیچیدگی‌ها و عدم قطعیت‌های فراوان است و این به نوبه‌ی خود باعث می‌شود که اغلب نظرات خبرگان در قالب ظن و گمان بیان شود. خداوند متعال در قرآن کریم در وصف مشرکین می‌فرماید: آنها جز از گمان پیروی نمی‌کنند و گمان هرگز انسان را از حق بی‌نیاز نمی‌سازد<sup>۱</sup>. (یونس: ۳۶) گروهی از علمای اصول، آیه‌ی مذکور و مانند آن را دلیل بر آن می‌دانند که ظن و گمان به هیچ‌وجه نمی‌تواند حجت و سند باشد و تنها دلائل قطعی هستند که می‌توانند مورد اعتماد قرار گیرند. (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۸۵) از جمله شهید مطهری منطق قرآن را نهی صریح از اتکا بر ظن می‌داند<sup>۲</sup>. (مطهری، ۱۳۷۵، ص ۲۵۰) اما گروهی دیگر با توجه به اینکه در میان دلائل فقهی، دلائل ظنی فراوان داریم (مانند حجت بودن ظواهر الفاظ و شهادت دو شاهد عادل و یا خبر واحد ثقه و امثال آن) می‌گویند آیه فوق دلیل بر این است که قاعده اصلی در مساله ظن، عدم حجیت است، مگر اینکه، مانند مثال‌های فوق، با دلیل قطعی حجت بودن آن ثابت گردد. آیت‌الله مکارم شیرازی معتقد است که آیه فوق تنها سخن از پندارهای بی‌اساس و گمانهای بی‌پایه و خرافی مانند گمان و پندار بت پرستان می‌گوید، و کار به ظن و گمان قابل اعتمادی که در میان عقلا موجود است ندارد، بنابراین آیه فوق و آیات مشابه آن در مساله عدم حجیت ظن به هیچ‌وجه قابل استناد نیست. (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸، صص ۲۸۵-۲۸۶) برآیند این نظرات در مقام عمل می‌تواند چنین باشد که مستشیر نباید با ظن و یقین مستشار معامله‌ی یکسان کند و یقیناً نظراتی که از ربیب و شک دورترند، مرجحند<sup>۳</sup> (حر عاملی، ج ۱۲، ۱۴۱۴ هـ.ق، ص ۴۶) ولی به خصوص در مواردی که استحصال یقین بعید است نایستی نسبت به ظن‌های عاقلانه بی‌تفاوت بود. احادیثی که در بند بعدی می‌آید نیز موید همین معناست.

۱-  
۲-  
۳-

وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ.

<sup>۱</sup> شهید مطهری می‌گوید: قرآن راه‌های خطای اندیشه را زیاد ذکر کرده. مرتب ذکر می‌کند افرادی حرف‌غلط می‌گویند، اشتباه می‌کنند، چرا اشتباه می‌کنند؟ این " چرا اشتباه می‌کنند " را قرآن دارد. در چندین آیه از آیات قرآن همین مطلبی که آقای دکارت با این صراحت، قاعده اول منطق خودش می‌داند را مورد تأکید قرار می‌دهد و پیروی از ظن و گمان را عجیب نمی‌داند، بعضی صریح و بعضی صریحتر (نمی‌گویم بعضی اشاره و بعضی صریح): " و لا تقف ما لیس لک به علم "، در جای دیگر: " ان هم الا یظنون ". آن‌ها می‌گویند منطقی دارند اما منطقتشان، منطق گمان است نه منطق علم و یقین. اگر این‌ها می‌خواستند به یقین خودشان اعتماد کنند چنین حرفی نمی‌زدند. در یک جا صریح می‌گوید علت خطای اکثریت مردم پیروی از گمان است: " و ان تطع اکثر من فی الارض یضلوك عن سبیل الله " اگر تو بخواهی اکثر مردم روی زمین را پیرو باشی، اگر بخواهی پیرو بشر باشی ( می‌خواهد بگوید پیرو بشر نباش ) این را بدان اکثر مردم روی زمین این جورند که تو را منحرف می‌کنند، چرا؟ علت انحراف چیست؟ " ان یتبعون الا الظن و ان هم الا یخرون « زیرا جز گمان را پیروی نمی‌کنند و کارشان جز تخمین چیز دیگری نیست. (مطهری، ۱۳۷۵، ص ۲۵۰)   
أَمْضُمْ أَرَاءَ الرَّجَالِ بَعْضُهَا إِلَى بَعْضٍ ثُمَّ أَخْتَرُ أَقْرَبَهَا لِلصَّوَابِ وَأَبْعَدَهَا مِنَ الْإِرْتِيَابِ.

- « بصیرت‌های مستنبط از اسلام » -

<p>با آنکه در گمان خطا راه دارد<sup>۱</sup> ولی چه بسیار گمان‌هایی که به حقیقت اصابت می‌کند! لذا گمانه‌زنی درست، روش خردمندان است.<sup>۲</sup> یکی از شیوه‌های ارزیابی گمان‌ها، ارزیابی فرد یا گروه گمانه‌زن است زیرا گمانه‌زنی آدمی به اندازه‌ی خرد اوست<sup>۳</sup> و احتمال صحت گمان فرد عاقل از یقین فرد جاهل بیشتر است.<sup>۴</sup> (آمدی، ۱۴۲۸هـ.ق، ص ۴۱۶) در روایات ظن‌های دو گروه نزدیک به واقع شمرده شده‌است: مومنین<sup>۵</sup> (همان، ص ۶۳) و خردمندان<sup>۶</sup> (همان، ص ۳۶۵) (مسلمی‌زاده، ۱۳۸۴، صص ۱۳۴-۱۳۶) به جز این در بندهای بعدی نیز خصوصیتی برای یک مشاور خوب بیان می‌شود.</p>	<p>ب ظن</p>
<p>علی(ع) بهترین کسان برای مشورت را صاحبان خرد، دانشمندان و افراد با تجربه و دوراندیش می‌داند<sup>۷</sup> (غرر الحکم: ۴۹۹۰) و احادیث متعددی با همین مضمون وجود دارد.<sup>۸</sup> (آمدی، ۱۴۲۸هـ.ق، ص ۲۴۵) (همان، ص ۸۸) (همان، ص ۳۱۱) (محمدی ری‌شهری، ج ششم، ۱۳۸۵، ص ۹۱) (تستری، ۱۴۲۰هـ.ق، ص ۵۱) از جهتی دیگر از امام رضا علیه السلام در وصف پدر بزرگوارشان نقل شده‌است: ... گاه با یکی از غلامان سیاه خود مشورت می‌کرد. به ایشان عرض شد: با چنین کسی مشورت می‌کنی؟ فرمود: چه بسا که خداوند تبارک و تعالی (نظر درست را) از زبان او جاری کند<sup>۹</sup>. (طبرسی، ۱۴۱۰هـ.ق، ص ۳۱۹) و نیز توصیه شده: نظر ارزشمند را حتی اگر انسان حقیری به تو گفت، دست کم بگیر<sup>۱۰</sup>. (محمدی ری‌شهری، ج چهارم، ۱۳۸۵، ص ۳۵۰) در مجموع می‌توان دریافت که اصل بر انتخاب مشاوران دانشمند و مجرب است تا آنجا که یکی از ملاک‌های سنجش کیفیت نظرات افراد، نگرستن به تجربه‌ی آن‌هاست<sup>۱۱</sup> (آمدی، ۱۴۲۸هـ.ق، ص ۲۴۶) ولی به هر حال نظرات افرادی با درجات پایین‌تر دانش و تجربه نیز نبایستی مورد غفلت واقع شود.</p>	<p>ب ظن</p>

<sup>۱</sup> الظَّنَّ يَخْطِئُ، و البقین يصيب و لا يخطئ.

<sup>۲</sup> ربما ادرك الظن بالصواب.

<sup>۳</sup> الظن الصواب من شيم اولى الالباب.

<sup>۴</sup> ظن الرجل على قدر عقله.

<sup>۵</sup> ظن العاقل اصح من يقين جاهل.

<sup>۶</sup> اتقوا ظنون المؤمنين فإن الله تعالى جعل الحق على آسنتهم

<sup>۷</sup> ظن ذوى النهى و الالباب اقرب شىء من الصواب.

<sup>۸</sup> خير من شاورت، ذوى النهى و العلم و اولو التجارب و الخزم.

<sup>۹</sup> املك الناس لسداد الراى كل مجرب، ثمره التجربه حسن الاختيار، افضل من شاورت ذوات التجارب، استرشيدوا العاقل، شاوروا العلماء الصالحين فاذا عزمتم على المضاء ذلك فتواكلوا على الله.

<sup>۱۰</sup> عن الحسن بن الجهم، كنا عند الرضا عليه السلام فذكرنا اياه، فقال: كان عقله لا توازي به العقول، و ربما شاور الاسود من سودانيه، فقيل له: تشاور مثل هذا؟ فقال:

ان الله تبارك و تعالى ربما فتح على لسانه.

<sup>۱۱</sup> لا تستصغرن عندك الراى الخطير اذا اتاك به الرجل الحقيق.

<sup>۱۲</sup> راى الرجل على قدر تجربته.

« بصیرت‌های مستبط از اسلام »-

<p>ب - -</p>	<p>هدف از مشورت، دیدن موضوع از جوانب مختلف و کشف آراء پنهان و ناشناخته است<sup>۱</sup> (همان، ص ۲۴۶) و رأی درست از جولان دادن افکار مختلف پدید می‌آید.<sup>۲</sup> (همان، ص ۲۴۶) لذا فرآیند هم‌اندیشی بایستی برآورنده‌ی این هدف بوده و یکسو نگر نباشد.</p>
<p>ب - -</p>	<p>از سایر خصوصیات یک مشاور خوب می‌توان به متقی بودن<sup>۳</sup> (تستری، ۱۴۲۰هـ ق، ص ۵۱)، خداترسی<sup>۴</sup> (محمدی ری‌شهری، ج ششم، ۱۳۸۵، ص ۹۲)، دلسوز بودن<sup>۵</sup> (همان، ص ۹۱)، دخالت ندادن هوای نفس در اظهار نظرها<sup>۶</sup> (محمدی ری‌شهری، ج چهارم، ۱۳۸۵، ص ۳۴۶)، ترسو نبودن، بخیل نبودن، حریص نبودن<sup>۷</sup> (محمدی ری‌شهری، ج ششم، ۱۳۸۵، ص ۸۹) دروغ‌گو نبودن<sup>۸</sup> (همان، ص ۹۰) اشاره کرد. گفتنی است که برای تبیین بهتر تأثیر مشورت با فرد دروغ‌گو نهی شده که امور دور از دسترس را برای تو دسترس‌پذیر و امور دسترس‌پذیر را دست‌نیافتنی جلوه می‌دهد. یا در باب متقی بودن وارد شده که این افراد ایثارگرند و منافع مستشیر را بر منافع خود ترجیح می‌دهند.</p>

<sup>۱</sup> خَوَافِي الْأَرَءِ تَكْشِفُهَا الْمُسَاوَرَةُ.

<sup>۲</sup> صَوَابُ الرَّأْيِ بِإِجَالَةِ الْأَفْكَارِ.

<sup>۳</sup> شَاوَرُوا الْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْتِرُونَ الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَيُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ فِي أُمُورِكُمْ.

<sup>۴</sup> شَاوَرُ فِي أَمْرِكَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ.

<sup>۵</sup> مُسَاوَرَةُ الْعَاقِلِ النَّاصِحِ، رُشْدٌ وَ يُمْنٌ وَ تَوْفِيقٌ مِنَ اللَّهِ.

<sup>۶</sup> خَيْرُ الْأَرَءِ أَبْعَدُهَا مِنَ الْهَوَىٰ وَ اقْرَبُهَا مِنَ السَّدَادِ/ اقْرَبُ الْأَرَءِ مِنَ النَّهْيِ أَبْعَدُهَا مِنَ الْهَوَىٰ.

<sup>۷</sup> يَا عَلِيُّ، لَا تُشَاوِرْ جَبَانًا فَإِنَّهُ يُضَيِّقُ عَلَيْكَ الْمَخْرَجَ، وَ لَا تُشَاوِرِ الْبَخِيلَ فَإِنَّهُ يَقْصُرُ بِكَ عَنِ غَايَتِكَ، وَ لَا تُشَاوِرْ حَرِيصًا فَإِنَّهُ يُزَيِّنُ لَكَ شَرَّهَا.

<sup>۸</sup> لَا تَسْتَشِيرِ الْكَذَّابَ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقَرِّبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَ يُبْعِدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ.

« بصیرت‌های مستنبط از اسلام »-

<p>ج- ۱۳۱</p>	<p>امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: از مشورت کردن با زنان بپرهیز، مگر آن که زنی به کمال عقل آزموده شده باشد<sup>۱</sup>. (همان، ص ۹۰) بدیهیست این حدیث و احادیث مشابهش نیازمند مصداق‌شناسی در عصر حاضر است. همان گونه که آیت الله جوادی آملی تذکر می‌دهند: چنین تعبیرهایی به لحاظ غلبه خارجی موضوع در زمان بیان آن است. یعنی برای آن زمان که زنان از تعلیم و تربیت صحیح محروم بوده‌اند، صادق است. ولی اگر زنان درپرتو تعلیم صحیح و تربیت وزین پرورش یابند و چون مردان بیان‌دیشند و چون رجال تعقل و تدبیر داشته باشند دیگر تمایزی از این جهت با مردها ندارند و اگر گاهی تفاوت یافت شد، همانند تفاوتی است که در این مورد بین خود مردها نیز مشهود است. به عبارت آخری اگر زنان مستعد به حوزه‌ها و دانشگاه‌های علمی راه یابند و همانند مردان به فراگیری علوم بپردازند و در دروس مشترک آگاهی کامل یابند دیگر نمی‌توان گفت روایاتی که در نکوهش زنان آمده و احادیثی که در پرهیز از مشورت با آنها وارد شده و ادله‌ای که در نارسایی عقول آنان رسیده اطلاق دارد و هیچ‌گونه استثنایی نسبت به زنان دانشمند و محقق ندارد بلکه قطعاً اینگونه زنان، مستثنی خواهند بود و در این زمینه تمایزی با مردها ندارند. (جوادی آملی، ۱۳۷۸، صص ۳۶-۳۷) به عنوان مصداقی قرآنی می‌توان به پذیرفته شدن پیشنهاد به کارگماری موسی از جانب شعیب (علی نبینا و اله و علیهما السلام) اشاره کرد که توسط دختر آن حضرت ارائه شده بود. (قصص: ۲۶-۲۸)</p>
<p>ج- ۱۳۱</p>	<p>در اسلام به افرادی که مورد مشورت قرار می‌گیرند تاکید شده که از هیچ‌گونه خیرخواهی فروگذار نکنند<sup>۲</sup> (همان، ص ۹۴) و خیانت در مشورت، یکی از گناهان بزرگ محسوب می‌شود، حتی این حکم درباره غیر مسلمانان نیز ثابت است، یعنی اگر انسان، پیشنهاد مشورت را از غیر مسلمانی بپذیرد، حق ندارد در مشورت، نسبت به او خیانت کند و غیر از آنچه تشخیص می‌دهد به او اظهار نماید. (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۷۱)</p>
<p>ج- ۱۵۱</p>	<p>در بندهای قبل به لزوم تعاملی و بازخوردی بودن بستر هم‌اندیشی اشاره شده بود. لازمه‌ی این امر آن است که مستشاران و مستشیر هیچ‌کدام خودکامه نباشند<sup>۳</sup> (همان، ص ۹۴) (همان، ص ۹۱) و بی‌جهت بر نظرات قبلی‌شان پافشاری نکنند. در روایات مختلفی استبداد رأی موجب خطا<sup>۴</sup> (محمدی ری‌شهری، ج چهارم، ۱۳۸۵، ص ۳۴۷)، هلاکت<sup>۵</sup> (همان، ص ۳۴۷)، منافی با دوراندیشی<sup>۶</sup> (مجلسی، ج ۷۲، ۱۴۰۳ هـ، ص ۱۳) دانسته شده و لجاجت و مخالفت بی‌جهت سبب سازگندی تدبیر<sup>۷</sup> (محمدی ری‌شهری، ج ۱۰، ۱۳۸۵، ص ۲۵۰) و فساد رأی<sup>۸</sup> (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۳، ص ۳۴۷) معرفی گردیده‌است.</p>

<sup>۱</sup> اِنَاكَ و مُسَاوَرَةَ النِّسَاءِ اِلَّا مَن جُرُبْتُ بِكَمَالِ عَقْلِ.  
<sup>۲</sup> مَن اسْتَشَارَهُ اَخُوهُ الْمُؤْمِنُ فَلَمَّيْمَحْضَةُ النَّصِيحَةِ سَلَبَهُ اللهُ لِيَّهٖ.  
<sup>۳</sup> لَا تَشِرْ عَلَيَّ الْمُسْتَبَدِّ بِرَأْيِهِ/ اسْتَرْشِدُوا الْعَاقِلُ وَلَا تَعْصُوهُ فَتَنْدَمُوا.  
<sup>۴</sup> الْمُسْتَبَدِّ مَتَهَوَّرَ فِي الْخَطَا وَالْغَلَطِ/ الْمُسْتَبَدِّ بِرَأْيِهِ مَوْقُوفٌ عَلَيَّ مَدَاحِضِ الرَّئِلِ.  
<sup>۵</sup> مَن اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ.  
<sup>۶</sup> الْحَازِمُ لَا يَسْتَبَدُّ بِرَأْيِهِ.  
<sup>۷</sup> الْجَلَاغَةُ تَسْلُ الرِّأْيَ.

- «بصیرت‌های مستنبط از اسلام»-

مشاور در نظر دادن نه تنها باید هوی و هوس خود را کنار بگذارد بلکه حتی مجاز نیست مطابق میل و هوس مستشیر نظر دهد. <sup>۲</sup> (محمدی ری‌شهری، ج ششم، ۱۳۸۵، ص ۹۴) و باید صرفاً حق را بیان کند.	۱۶-۱۷
علی (ع) مستشار را موعظه می‌کند که از اظهار رأی خام و ناپخته بپرهیز و از ناسنجیده گویی دوری کن. <sup>۳</sup> (همان، ص ۹۴)	۱۷-۱۸
مشاور موظف است در اطلاعات اولیه‌ای که مستشیر در اختیار او قرار می‌دهد به خوبی دقت کند و به سخنان او خوب گوش فرا دهد تا موضوعی که بناست در آن مشاوره دهد را به خوبی دریابد. <sup>۴</sup> (همان، ص ۹۴)	۱۸-۱۹
امیرالمومنین به مستشار توصیه می‌کند که صرفاً در زمینه‌ای که اطلاع دارد اظهار نظر کند. <sup>۵</sup> (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۳، ص ۳۱۳) و مستشیر را نیز از مشورت با افراد بی‌اطلاع نهی می‌کند. <sup>۶</sup> (آمدی، ۱۴۲۸هـ.ق، ص ۳۱۳) کما اینکه در بندهای گذشته، دانا بودن از خصوصیات یک مشاور خوب دانسته شده بود.	۱۹-۲۰
در رساله حقوق از امام علی بن الحسین (علیه السلام) نقل شده: حق کسی که از تو مشورت می‌خواهد این است که اگر درباره آن کار، چیزی نمی‌دانی، او را به کسی راهنمایی کنی که می‌داند. <sup>۷</sup> (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۷۲)	۲۰-۲۱
در نهایت امام سجاد (ع) یکی از حقوق مستشار بر گردن مستشیر را آن می‌داند که هرگز در آنچه با او موافق نیست او را متهم نسازد. <sup>۸</sup> (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۷۲) و ظرفیت تحمل اختلاف نظر را داشته باشد. حلیم بودن از صفات مورد تأکید اسلام است. <sup>۹</sup>	۲۱-۲۲

یادآوری می‌شود که پیرامون مطالب این بخش، ده‌ها حدیث در مصادر معتبر شیعی وجود دارد که صرفاً تعداد محدودی از آن‌ها در این بخش گزیده شده‌اند. در (مسلمی‌زاده، ۱۳۸۴، صص ۹۳-۱۳۶) مجموعه‌ی ارزشمندی از این روایات جمع‌آوری گردیده است.

<sup>۱</sup> الْخِلَافُ يَهْدُمُ الرَّأْيَ.

<sup>۲</sup> خَفَّ اللَّهُ فِي مُوَافَقَةِ هَوَى الْمُسْتَشِيرِ؛ فَإِنَّ التَّمَّاسَ مُوَافِقَتِهِ لَوْمْ.

<sup>۳</sup> إِيَّاكَ وَ الرَّأْيَ الْفَطِيرَ، وَ تَجَنَّبِ ارْتِجَالَ الْكَلَامِ.

<sup>۴</sup> خَفَّ اللَّهُ ... سَوْءَ الْإِسْمَاعِ مِنْهُ (مِنَ الْمُسْتَشِيرِ) خِيَانَةً.

<sup>۵</sup> أَقْصِرْ رَأْيَكَ عَلَيَّ مَا يَعْينُكَ.

<sup>۶</sup> لَا تُشَاوِرَنَّ فِي أَمْرِكَ مَنْ يَجْهَلُ.

<sup>۷</sup> وَ حَقَّ الْمُسْتَشِيرَانَ عِلْمَتَ لَهُ رَأْيَا اشْرَتْ عَلَيْهِ وَ انْ لَمْ تَعْلَمْ ارْشَدْتَهُ إِلَى مَنْ يَعْلَمُ.

<sup>۸</sup> حَقَّ الْمَشِيرَ عَلَيْكَ انْ لَا تَتَّهَمَهُ فِيمَا لَا يُوَافِقُكَ مِنْ رَأْيِهِ.

<sup>۹</sup> از جمله در زیارت جامعه‌ی کبیره در توصیف خصوصیات نظرات معصومین علیهم‌السلام گفته شده است: رَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَ حِلْمٌ وَ حَزْمٌ